

نوا و موسیقی راز و حجاب	
۱۴	در بیت زیر تفاوت معنایی «نیست باد» چیست ؟ آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد هوا نیست نیست و نابود شود
درس هفتم: در حقیقت عشق	
۱	در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد کسی می تواند عاشق شود که جسم و تعلقات را فراموش کند
۲	عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری نهد عشق مانند آتش سوزنده است و هر جا که باشد جز خود به هیچ چیز و هیچ کس اجازه اقامت نمی دهد
۳	در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست کسی می تواند به میدان عشق وارد شود (عاشق باشد) که ترک جان گوید. نمی توان هم با جان خود بود و هم عاشق بود.
۴	ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان ای عزیز به خدا رسیدن واجب است و به ناچار در نزد عاشقان، هر چیزی که بتواند انسان را به خدا نزدیک کند در این راه واجب است.
۵	حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می شناس . زندگی با عشق سرچشمه می گیرد و بی عشق زندگی کردن مانند مرگ است
۶	سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد دیوانگی عشق از زیرکی و هوشیاری این جهانی بهتر است.
۷	در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است در این جهان، هر جا جوانی و نیکویی است، آرزو می کنم که عاشق باشد؛ که عشق زیباترین و بهترین کالایی می تواند باشد که از بازار دنیا باید خرید.
درک مطلب و خودآزمایی	
۱	در عبارت زیر منظور از « نام های حُسن » چیست ؟ بدان که از جمله نام های حُسن یکی « کمال » و یکی « جمال » اسماء الحُسنی (نام های خداوند)
۲	منظور از عبارت زیر چیست ؟ و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند همه موجودات در مسیر تکامل گام برمی دارند ( می خواهند به تکامل خود دست یابند)
۳	با توجه به عبارت زیر : بدان که از جمله نام های حُسن یکی « کمال » و یکی « جمال » و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال اند علت آفرینش چیست ؟ علت آفرینش نه سود بردن خالق است و نه بهره رساندن به مخلوق بلکه سبب اصلی آفرینش، حبّ حق به کمال است.
۴	«عشق هر کسی را به خود راه نهد و همه جایی مأوان کند و به هر دیده روی ننماید» با کدام بیت ارتباط دارد؟ بیت « ب »

	<p>الف) میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز  ب) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست</p>
۵	<p>نوع دستوری اجزای جمله چیست؟ محبت چون به غایت رسد، <u>آن را عشق خوانند</u>  چهار جزئی با مفعول و مسند</p>
۶	<p>عبارت « در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و خود را ایثار عشق کند »  <b>با ایبات زیر تناسب دارد.</b></p> <p>الف) میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز  ب) یک قدم بر سر وجود نهی وان دگر بر در ودود نهی سنایی  ج) تا خبر دارم از او بی خبر از خویشتم با وجودش ز من آواز نیاید که منم  د) در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست</p>
۷	<p>با توجه به عبارات زیر به سوالات پاسخ دهید.  ای عزیز، پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.</p> <p>الف) پروانه نماد چیست؟ ب) نویسنده عشق را با چه چیزی مقایسه کرده است؟  پاسخ: الف) عاشق واقعی ب) آتش</p>
۸	<p>درک و دریافت خویش را از جمله زیر بنویسید.  « سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید. »  پاسخ: برتری عشق بر عقل</p>